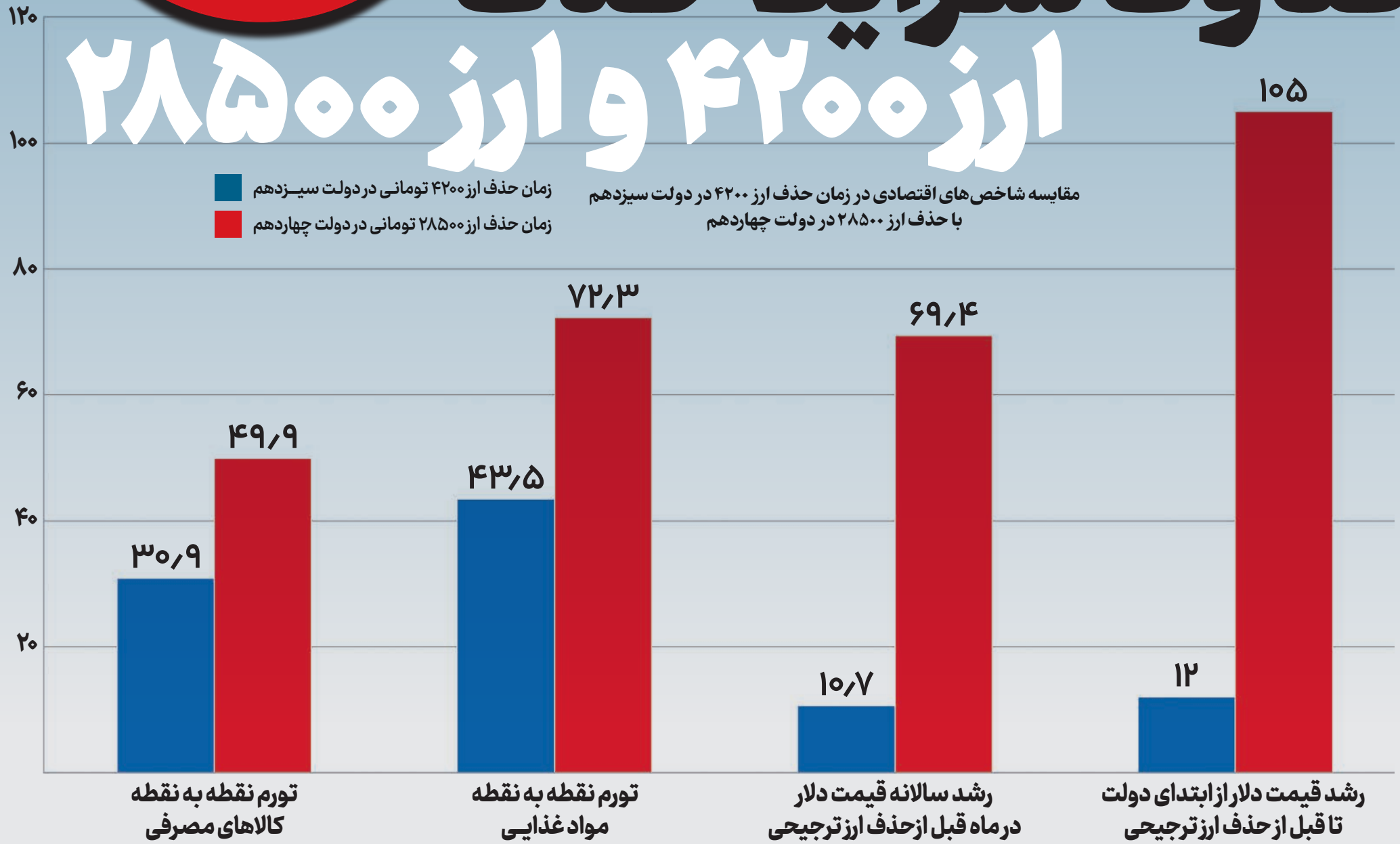


بحار صوت

مقایسه تاریخی شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهد دولت سیزدهم در زمان مناسبی ارزش‌ترجیحی را حذف کرد اما دولت چهاردهم بدترین زمان را برای این کار انتخاب کرده است

تفاوت شرایط حذف ارز ۴۲۰۰ و ارز ۲۸۵۰۰



قیمت آن سبب گران شدن مواد غذایی می‌شود. دولت سیزدهم و دولت چهاردهم، هر دو به این واقعیت واقف بودند اما مقایسه تاریخی نشان می‌دهد دولت سیزدهم در زمان مناسبی ارز ۴۲۰۰ تومانی را حذف کرد اما دولت چهاردهم بدترین زمان را برای این کار انتخاب کرده است.

شرایط اقتصادی کشور در دو مقطع زمانی اردیبهشت ۱۴۰۱ و دی ۱۴۰۴ نشان می‌دهد دولت سیزدهم، سنجیده عمل کرد اما دولت چهاردهم اقدام غیرسنجیده‌ای انجام داده است. از آنجاکه ارز ترجیحی در اکثر کالاهای اساسی یعنی مواد غذایی ضروری خانوارها استفاده می‌شود، بالا بردن

عدم اصابت ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی به کالاهای اساسی و با ادعای حذف رانت، اقدام به کنار گذاشتن این ارز کرد و نرخ ارز کالاهای اساسی را به ۱۱۲۵۰۰ تومان افزایش داد. مشابه چنین اقدامی را دولت سیزدهم در اردیبهشت سال ۱۴۰۱ با حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی انجام داده بود اما مقایسه

مقایسه شرایط اقتصادی در زمان اقدام دولت سیزدهم در حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی نسبت به شرایط اقتصادی در زمان اقدام دولت چهاردهم در حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی، به خوبی تفاوت‌های فاحش دو دولت در زمینه کارشناسی رانشان می‌دهد. دولت چهاردهم از نیمه دی ماه امسال به بهانه

نرخ تورم کل کالاهای مصرفی

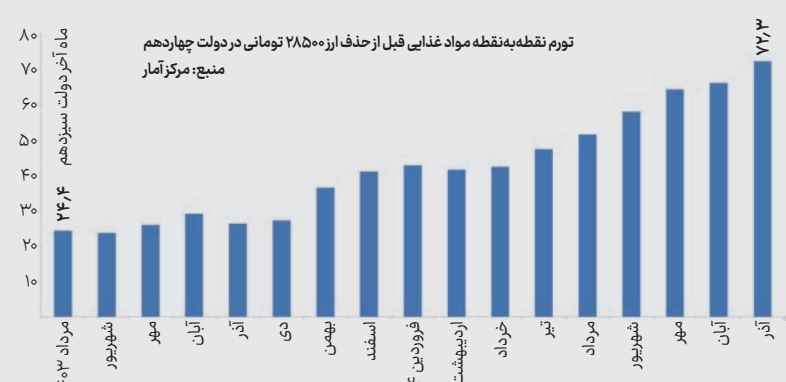
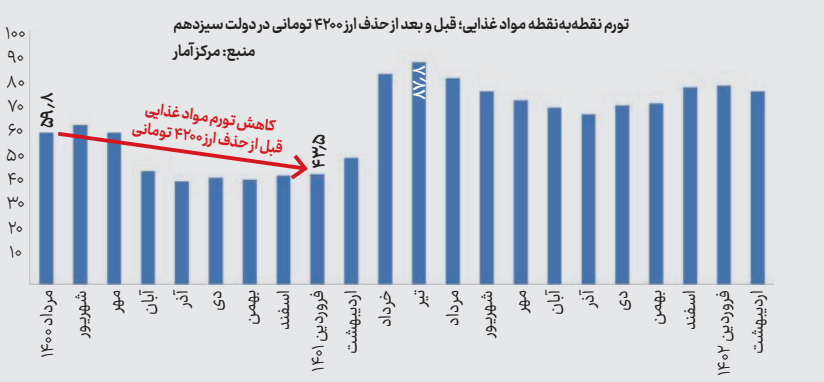
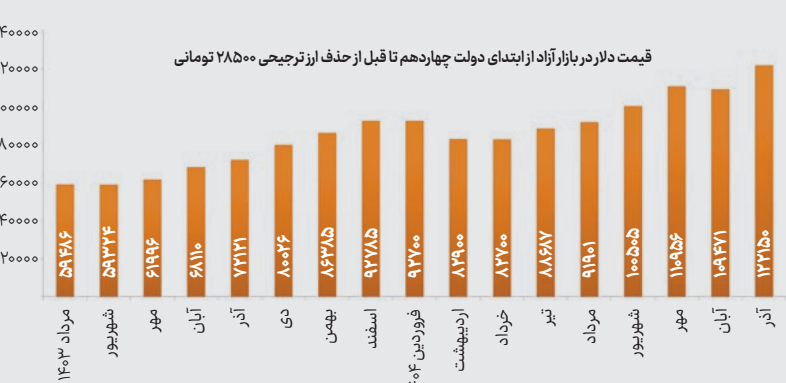
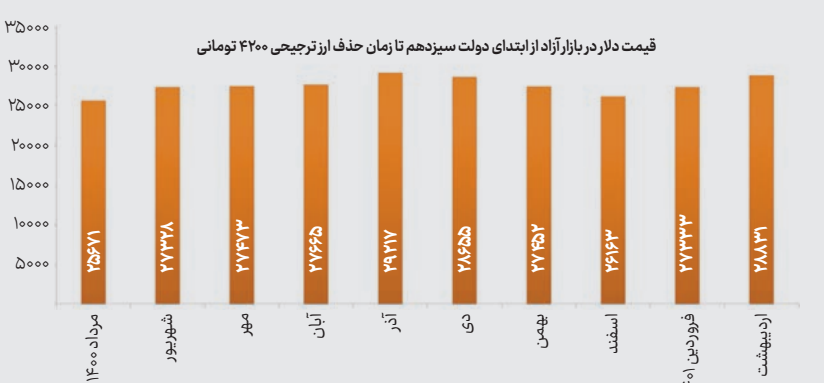
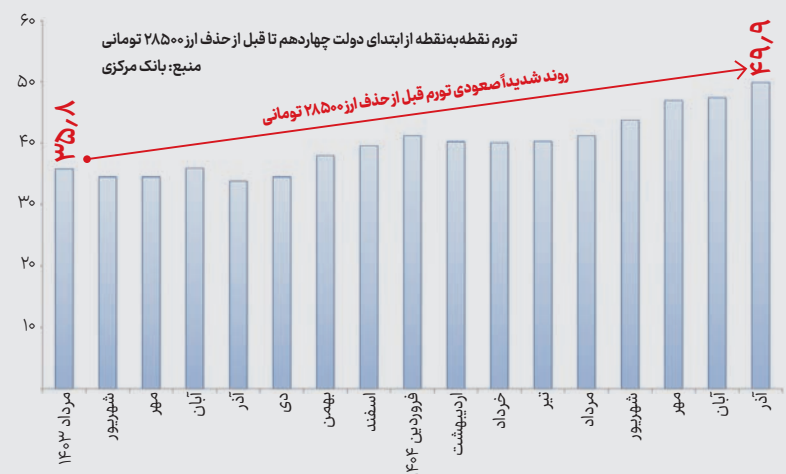
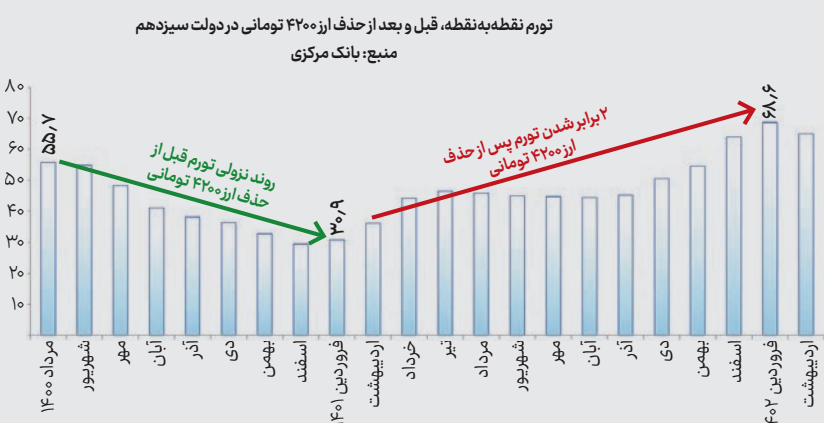
دولت سیزدهم در حالی در اردیبهشت ۱۴۰۱ اقدام به حذف ارز ترجیحی کرد که نرخ تورم کاملاً نزولی بود. طبق گزارش بانک مرکزی، نرخ تورم نقطه به نقطه کشور از ابتدای شروع به کار دولت سیزدهم تا پایان فروردین ۱۴۰۱ یعنی قبل از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی، نزدیک به ۲۵ واحد درصد کاهش یافته بود چراکه تورم نقطه به نقطه در مرداد ۱۴۰۰ رقم ۵۵٫۷ درصد بود اما با سیاست‌های دولت سیزدهم، این شاخص در فروردین ۱۴۰۱ به ۳۰٫۹ درصد تنزل پیدا کرده بود. بنابراین دولت سیزدهم در اردیبهشت ۱۴۰۱ در شرایطی که تورم به شدت نزولی و در کانال ۳۰ درصد بود اقدام به حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی کرد تا فشار تورمی حاصل از این اقدام، تبعات کمتری برای مردم داشته باشد. به علت حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی در اردیبهشت ۱۴۰۱، روند نزولی تورم همانطور که انتظار می‌رفت متوقف شد و تورم مجدداً صعودی شد و در فروردین ۱۴۰۲ به سقف خود یعنی ۶۸٫۶ درصد رسید و پس از آن با تخلیه آثار حذف ارز ترجیحی مجدداً نزولی شد. همانطور که مشخص است حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی سبب ۲ برابر شدن تورم شد اما دولت سیزدهم با هوشمندی، زمانی این اقدام را انجام داد که تورم در کانال ۳۰ درصد بود. اما دولت چهاردهم در شرایطی از دی ماه ۱۴۰۴ اقدام به حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی کرد که طبق گزارش بانک مرکزی تورم در آستانه ورود به کانال ۵۰ درصد است. در حالی که تورم نقطه به نقطه در پایان دولت سیزدهم (مرداد ۱۴۰۳) ۳۵٫۸ درصد بود اما در آذرماه امسال به ۴۹٫۹ درصد افزایش یافته است. یعنی تورم در صعود نگران‌کننده‌ای قرار دارد و مشخص است که در چنین شرایط تورمی، نباید سیاست‌های تورم‌زا همچون حذف ارز ترجیحی اتخاذ می‌شد.

تورم مواد غذایی

از آنجا که ارز ترجیحی برای واردات مواد غذایی ضروری خانوارها استفاده می‌شود، حذف آن مستقیماً مواد غذایی را گران می‌کند. بنابراین برای حذف ارز ترجیحی، باید ملاحظه کرد که زمانی برای این اقدام انتخاب شود که تورم مواد غذایی در اوج خود نباشد. در دولت سیزدهم طبق گزارش مرکز آمار، نرخ تورم نقطه به نقطه مواد غذایی از ۵۹٫۸ درصد در پایان دولت حسن روحانی (مرداد ۱۴۰۰) به ۴۳٫۵ درصد در فروردین ۱۴۰۱ کاهش یافته بود یعنی افت بیش از ۱۶ واحد درصدی. به‌طور کلی تا قبل از حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی، تورم مواد غذایی نزولی بود. با حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی در اردیبهشت ۱۴۰۱ بلافاصله تورم مواد غذایی صعودی شد و در ماه‌های بعد به بالای ۸۰ درصد رسید یعنی نسبت به قبل از حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی ۲ برابر شد. اما اکنون در دولت چهاردهم، تا قبل از حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی روند تورم مواد غذایی به شدت افزایشی بوده است. تورم نقطه به نقطه مواد غذایی در پایان دولت سیزدهم یعنی مرداد ۱۴۰۳ رقم ۲۴٫۴ درصد بود اما در آذرماه امسال به بیش از ۷۲ درصد رسید یعنی نسبت به پایان دولت شهید رئیسی تقریباً ۳ برابر شده و بیش از ۴۷ واحد درصد افزایش یافته است. در این شرایط، حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی سبب موج جدیدی از تورم مواد غذایی خواهد شد و بیم آن می‌رود شاهد تورم ۳ رقمی کالاهای اساسی هم باشیم. این مقایسه هم نشان می‌دهد که دولت سیزدهم با اجرای حذف ارز ترجیحی در زمانی که تورم مواد غذایی روند نزولی داشت و در کانال ۴۰ درصد بود اقدام معقولانه‌تری نسبت به دولت چهاردهم انجام داده که در شرایط اوج تورم مواد غذایی، ارز ترجیحی را هم حذف کرده است.

نرخ ارز

دولت سیزدهم در شرایطی در ابتدای سال ۱۴۰۱ تصمیم به حذف ارز ترجیحی گرفت که بازار را کاملاً در آرامش بود. قیمت دلار در بازار آزاد در اردیبهشت ۱۴۰۱ که ارز ۴۲۰۰ تومانی حذف شد حدود ۲۸۸۳۰ تومان بود که نسبت به پایان دولت حسن روحانی (مرداد ۱۴۰۰) فقط ۱۲ درصد افزایش



شاخص وضعیت بازار ارز هم دولت سیزدهم در وضعیت ثبات ارز اقدام به حذف ارز ترجیحی کرد اما دولت چهاردهم در شرایط التهابات ارزی این کار را انجام داد. همچنین قبل از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی رشد ۱۲ ماهه نرخ ارز در فروردین ۱۴۰۱ فقط ۱۰٫۷ درصد بود در حالی که در آذرماه امسال رشد ۱۲ ماهه نرخ ارز ۶۹٫۴ درصد بود.

داشت. اما اکنون در شرایطی دولت چهاردهم تصمیم به حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی گرفت که قیمت دلار در بازار آزاد در آذرماه امسال ۱۲۲ هزار تومان شد که نسبت به پایان دولت سیزدهم (مرداد ۱۴۰۳) که ۵۹۵۰۰ تومان بود ۱۰۵ درصد رشد داشته و بیش از ۲ برابر شده است. در دولت چهاردهم بازار ارز شرایط ملتهبی را طی کرده است. بنابراین از لحاظ



افزایش حقوق کارگران باید بالای ۵۰ درصد باشد

علی بابایی کارنامی رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی با اشاره به برگزاری دومین جلسه کمیته مزد شورای عالی کار در هفته جاری با هدف تعیین محاسبات مربوط به سبد معیشت و حقوق و دستمزد کارگران، گفت: امسال به ودلیل یعنی تورم و آزادسازی نرخ ارز ترجیحی، قطعاً ۱۰۰ درصد افزایش در نرخ سبد معیشت کارگران اتفاق افتاده و کمتر از ۵۰ میلیون تومان نیست و به همین دلایل افزایش حقوق دستمزد کارگران نباید زیر ۵۰ درصد باشد. بالای

پنجاه درصد هر عددی که باشد، قابل تأمل و توجه است. نماینده مردم ساری و میان دروپرد در گفت‌وگو با خبرنگار خانه ملت؛ با اشاره به برگزاری دومین جلسه کمیته مزد شورای عالی کار در هفته جاری که تعیین محاسبات مربوط به سبد معیشت و حقوق و دستمزد کارگران از اهداف این قبیل جلسات است، گفت: امسال قطعاً نرخ سبد معیشت کارگران و مجموع

کسانی که از مزت سبد کالا استفاده می کنند، زیر ۵۰ میلیون تومان نیست. رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس ادامه داد: سال گذشته این نرخ نزدیک به ۲۴ میلیون تومان تعیین شد که همان زمان هم مناسب شرایط تورمی جامعه نبود؛ اما امسال به ودلیل یعنی تورم و آزادسازی نرخ ارز ترجیحی که اتفاق افتاد، قطعاً ۱۰۰ درصد افزایش نرخ سبد معیشت را خواهیم داشت که در تصمیم گیری‌ها باید به آن توجه و لحاظ شود. بابایی کارنامی تصریح کرد: ارتباط بین سبد معیشت، تورم و مزد که برای کارگران بحث بسیار مهمی است، از نکات مهمی است که در ادامه کار کمیته مزد باید به آن توجه و با توجه به این مسائل نتیجه جلسات جمع بندی شود. رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس با اشاره به اینکه کمیته مزد شورای عالی کار با حضور نمایندگان کارگری، کارفرمایی و دولت تشکیل و نرخ سبد معیشت و حقوق و دستمزد کارگران را تعیین می کند و مجلس در این زمینه تکلیف و نقش رسمی ندارد، تصریح کرد: آنچه برای ما به عنوان نمایندگان مردم بسیار مهم است، این است که باید از هر ظرفیتی در جامعه کم کنیم و به قدرت خرید جامعه مزدبگیر اعم از کارگران، بازنشستگان و همچنین کارمندان دولت اضافه کنیم. این بهترین تدبیری است که در طول چند سال اخیر کشور می توان اتخاذ تصمیم کرد.

بابایی کارنامی ادامه داد: در این مسیری توان جبران برخی از این مسائل را به گردن دولت محترم انداخت؛ به این صورت که منابع و ظرفیت‌هایی که در کشور از آن درآمد کسب می کنیم، یعنی منابع تلافی بین ارز ترجیحی و ارزهای قابل

تبدیل و آزاد، یعنی ارز رقابتی را صرف معیشت جامعه مزدبگیر کنیم. وی تصریح کرد: البته ما طرفدار این نیستیم که از سه قیمتی شود، اما قطعاً ارز ترجیحی حذف یا برداشته شده، اما ما به التفاوت آن که برداشته نشده است و باید یک جا خود را بروز و ظهور بدهد و اتفاقاً اینجا است که تدبیر کسانی که در این حوزه کار می کنند، مهم است؛ تا این عددی که به عنوان منابع درآمدی دریافت کردند را در جاهای دیگر خرج و صرف هزینه‌های جاری نکنند؛ بلکه در حوزه حقوق و دستمزد و رفاه کارگران و کارمندان هزینه کنند که این بهترین تصمیم برای همه است. رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس در پایان درباره میزان افزایش حداقل حقوق دستمزد کارگراها هم عنوان کرد: با توجه به اینکه کمیسیون حقوق و دستمزد افزایش ۴۳ تا ۴۵ درصدی بودجه برای کارمندان دولت در سال آینده را پیشنهاد و تصویب کرده است، باید افزایش حقوق و دستمزد برای کارگراها هم قابل توجه و متناسب با تورم باشد؛ بنابراین افزایش حقوق دستمزد کارگران نباید زیر ۵۰ درصد باشد. بالای ۵۰ درصد هر عددی که باشد، قابل تأمل و توجه است و می توان روی آن بحث کرد.

عبور قطار ۶۰ میلیارد دلاری شرق از جلوی چشمان ایران

باشتاب گرفتن کردور ۶۰ میلیارد دلاری چین-پاکستان (CPEC)، معادلات ترانزیتی و تجاری آسیا وارد مرحله‌ای تازه شده و می تواند بازیگران جدیدی ازجمله ایران را به مرکز ثقل اقتصاد منطقه برساند.

کریدور چین-پاکستان که یکی از مهم‌ترین شاخه‌های ابتکار «یک کمربند یک راه» چین (BRI) محسوب می‌شود، بر هدف اتصال غرب چین به آسیای شرقی از راه طریق بنادر گوادر و کراچی طراحی شده است. این مسیر نه تنها زامان و هزینه انتقال کالا برای یکبار کاهش می‌دهد، بلکه وابستگی چین به مسیرهای دریایی تحت نفوذ غرب را نیز محدود می‌کند. به همین دلیل، کریدور CPEC فراتر از یک پروژه اقتصادی، ابزاری ژئوپلیتیکی برای چین به شمار می‌رود. در حالی که پاکستان با توسعه بنادر گوادر و کراچی و ارتقای شبکه ریلی و جاده‌های خود به یکی از حلقه‌های کلیدی تجارت آینده آسیا تبدیل می‌شود، ایران هنوز استراتژی روشنی برای اتصال به این کریدور ارائه نکرده است. این در شرایطی است که موقعیت جغرافیایی ایران، به‌ویژه در پیوند کریدورهای شرق-غرب و شمال-جنوب، ظرفیت تبدیل کشور به یکی از کانون‌های اصلی ترانزیت منطقه و حتی ایران ترانزیتی را براسیا فراهم می‌کند. کارشناسان حوزه حمل‌ونقل معتقدند که ایران می‌تواند با اتصال هوشمندانه بنادر جنوبی خود، به‌ویژه بندر چابهار، را به شبکه CPEC، نقش مکمل و رقیب بندر گوادر را ایفا کند. چنین سناریویی نه تنها مزیت رقابتی ایران را افزایش می‌دهد، بلکه مسیر جایگزینی برای تجارت چین در شرایط بحران‌های امنیتی یا ژئوپلیتیکی ایجاد می‌کند. بااین حال، تحقق این هدف نیازمند تصمیم‌گیری سریع و اقدام عملی است. توسعه زیرساخت‌های ریلی و جاده‌ای، تضمین امنیت مسیرهای ترانزیتی، ایجاد ثبات مقرراتی برای سرمایه‌گذاران خارجی و فعال سازی دیپلماسی اقتصادی با چین و پاکستان، ازجمله پیش‌نیازهای ورود مؤثر ایران به این شبکه محسوب می‌شود. بدون این اقدامات، فرصت‌های ترانزیتی ایران در حد ظرفیت‌های بالقوه باقی خواهد ماند. در مقابل، ادامه وضعیت فعلی می‌تواند پیامدهای پرهزینه‌ای داشته باشد. اگر اتصال‌های اصلی CPEC بدون مشارکت ایران تثبیت شود، مسیرهای تجاری جنوب و شرق آسیا به سمت کشورهای رقیب سوق پیدا خواهد کرد و بازگشت ایران به این معادله در آینده، مستلزم هزینه‌های سنگین‌تری خواهد بود. به گزارش فارس، به باور تحلیلگران، حضور فعال ایران در این شبکه می‌تواند علاوه بر کاهش وابستگی به مسیرهای دریایی غربی، زمینه‌افزایش امنیت انرژی و تنوع صادراتی کشور فراهم کند. به‌ویژه که با توسعه بندر چابهار، ایران می‌تواند نقش مکمل بندر گوادر و پاکستان را ایفا کرده و مسیر جایگزین مطمئنتی برای تجارت چین در مواقع بحران ژئوپلیتیکی فراهم آورد؛ اما در مقابل، تعلل ایران می‌تواند پیامدهای سنگینی داشته باشد. در صورت نهایی شدن اتصال CPEC به بنادر کراچی و گوادر پاکستان بدون حضور تهران، محور ترانزیت جنوب آسیا به سمت کشورهای رقیب تغییر جهت خواهد داد و ایران از یکی از بزرگ‌ترین تحولات اقتصادی آسیای نصیب می‌ماند.



پیش بینی کسری ۲۰ هزار مگاواتی برق برای سال آینده

رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران با درخواست برای تعیین تکلیف این موضوع در ماه‌های پیش رو گفت: پرونده نهاد تنظیم برق برقی باید پیش از عید تعیین تکلیف شود و ادامه موکول کردن تصمیم‌گیری از این جلسه به جلسه دیگر، همان خسارت انباشته‌ای است که طی سال‌های گذشته شکل گرفته است.

نجفی نسبت به پیامدهای ادامه وضع موجود هشدار داد و گفت: اگر این روند اصلاح نشود، سال آینده کسری برق کشور از ۲۰ هزار مگاوات عبور می‌کند. حل مشکل ناآرامی در صنعت برق با تصمیمات کوتاه‌مدت ممکن نیست و وزیر نیرو نیز می‌تواند این بحران را با معجزه برطرف کند.

مهلت‌های دوماهه که اجرایی نشد. حتی در مقطعی، معاونت حقوقی ریاست جمهوری وقت، مهلت سه‌ماهه تعیین کرد.

اما با گذشت حدود دو سال، آن زمان بندی نیز محقق نشده است. نجفی با طرح این ادعا که وزارت نیرو در روند شکل‌گیری نهاد تنظیم‌گر اثرگذار بوده است، اظهار کرد: از نگاه او، منافع وزارت نیرو در سمت سوسی دیگری قرار دارد و همین مسئله باعث می‌شود فرآیند تشکیل رگولاتور به تعویق بیفتد. نتیجه چنین تعللی، شکل‌گیری ناآرامی در حکمرانی برق است؛ ناآرامی‌ای که اگر صرفاً محدود به یک دستگاه بود، مسئله‌ای داخلی تلقی می‌شد اما اکنون آثار آن به کل صنعت و اقتصاد کشور سرایت کرده و هزینه‌های گسترده ایجاد می‌کند.

نهادهای مرتبط ادامه دارد و همین درگیری‌های نهادی مانع از پیشرفت پرونده رگولاتوری برق شده است.

نجفی با اشاره به سابقه پیگیری این موضوع گفت: نزدیک به ۹ سال است که تشکیل نهاد تنظیم‌گر برق را دنبال می‌کند و حتی فرآیندهای مربوط به آن تا سال ۱۳۹۹ به مرحله جمع‌بندی رسیده بود، با دخالت‌ها و تغییر مسیرهای اداری، موضوع وارد مسیر مجلس شد، بازگشت خورد و با رفت‌وآمدهای مکرر، به پرونده‌ای فرسایشی تبدیل شد.

رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران با انتقاد از روند بررسی پرونده موضوع در مجلسس تاکید کرد: طرحی با ماهیت تخصصی باید ابتدا توسط نهادهای تخصصی مانند شورای رقابت تدوین و نهایی شود، نه اینکه از جلسه‌ای به جلسه دیگر در مجلس منتقل شود؛ زیرا با تغییر ترکیب حاضران و نمایندگان، هر بار بحث از نقطه صفر آغاز می‌شود و بخشی از مفاد دوباره محل اختلاف قرار می‌گیرد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود به وعده‌های عملی نشده درباره تعیین تکلیف این پرونده اشاره کرد و گفت: در شورای گفت‌وگو چندین بار به وزارت نیرو مهلت داده شد، از جمله

گزارش

رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران با تأکید بر ضرورت تشکیل «نهاد تنظیم‌گر مستقل» در صنعت برق گفت: سپردن تنظیم‌گری به ساختاری زیر نظر دولت، یک ایراد بنیادی است و ادامه تعلل و اختلافات میان دستگاه‌ها می‌تواند سال آینده کسری بیش از ۲۰ هزار مگاواتی برق را رقم بزند.

آرش نجفی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران، با اشاره به تاخیرهای طولانی در راه‌اندازی نهاد تنظیم‌گر برق، اظهار داشت: رگولاتوری به معنای وجود یک نهاد تنظیم‌گر مستقل است و گذاری این نقش به سازمانی که زیر نظر رئیس جمهور قرار دارد، یک ایراد ساختاری به شمار می‌آید. وی با بیان اینکه موضوع تنظیم‌گری باید در چارچوبی تخصصی و با سازوکار روشن دنبال شود، افزود: با وجود ظرفیت‌هایی مانند شورای رقابت، همچنان اختلاف و اصطکاک میان بخش‌های مختلف ازجمله وزارت نیرو، وزارت نفت و سایر

تعمیل هزینه اضافی؛ وقتی تولیدکننده تاوان ناترازی برق را می‌دهد

مرحله بعد، نیروگاه‌ها با حفظ براف تولید برق، ناچار به استفاده از سوخت دوم می‌شوند؛ سوختی که هزینه اقتصادی و زیست‌محیطی بالایی دارد.

در چنین شرایطی، مدیریت انرژی کشور پیش از آنکه

مبتنی بر برنامه‌ریزی پیشگیرانه باشد، به یک مدیریت واکنشی و کوتاه‌مدت تبدیل می‌شود؛ مدیریتی که هر

سال با تکثیر سناریوهای مشابه همراه است.

مازوت؛ راه‌حل اضطراری با تبعات گسترده

مازوت سال‌هاست که به عنوان سوخت جایگزین نیروگاه‌ها در زمان کمبود گاز مورد استفاده قرار می‌گیرد. از منظر ذخایر فیزیکی، کشور با کمبود جدی مازوت مواجه نیست و مخازن پالایشگاهی و نیروگاهی امکان تأمین نیاز کوتاه‌مدت را دارند. با این حال، مسئله اصلی، پیامدهای استفاده

گسترده از این سوخت است. سوزاندن مازوت، به‌ویژه در نیروگاه‌های نزدیک به کلان‌شهرها، به افزایش آلودگی هوا، بالا رفتن غلظت ذرات معلق و تشدید بیماری‌های تنفسی منجر می‌شود. به همین دلیل، هر سال با آغاز مصرف مازوت، موجی از انتقادات زیست‌محیطی و اجتماعی شکل می‌گیرد.

چالش حمل‌ونقل و توزیع مازوت

علاوه بر تبعات زیست‌محیطی، مازوت از منظر لجستیکی نیز با چالش‌هایی همراه است. انتقال این سوخت به نیروگاه‌ها نیازمند شبکه حمل‌ونقل جاده‌ای و ریلی منظم است؛ شبکه‌ای که در شرایط سرمای شدید، بارش سنگین یا محدودیت‌های فنی، دچار اختلال می‌شود.

در برخی موارد، نیروگاه‌ها علی‌رغم صدور مجوز مصرف مازوت، به دلیل تأخیر در تأمین و حمل، با کاهش تولید مواجه شده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که مازوت، پیش از آنکه یک راه‌کار پایدار باشد، نقش یک مسکن موقت را در مدیریت بحران گاز ایفا می‌کند.

نفت سفید، سهم کم، اهمیت اجتماعی بالا

نفت سفید اگرچه سهم اندکی در مصرف کل انرژی کشور دارد، اما برای مناطق روستایی، مرزی و فاقد شبکه گازرسانی، همچنان یک سوخت حیاتی محسوب می‌شود. ذخایر این فرآورده معمولاً در سطح قابل قبولی نگهداری می‌شود و شبکه توزیع آن از انسجام نسبی برخوردار است. با این حال، وابستگی کامل توزیع نفت سفید به حمل‌جاده‌ای و شرایط جوی، باعث می‌شود که در زمستان‌های سخت، برخی مناطق با تأخیر در دریافت سوخت مواجه شوند؛ مسئله‌ای که از منظر تاب‌آوری اجتماعی و رضایت عمومی، اهمیت ویژه‌ای دارد.

زیرساخت‌های برق فشار اوج مصرف

شبهه انتقال گاز و برق کشور طی سال‌های گذشته توسعه یافته، اما رشد سریع مصرف و فرسودگی بخشی از تجهیزات فشارمضعفی بر این زیرساخت‌ها وارد کرده است. افت فشار گاز در مناطق انتهایی شبکه و افزایش احتمال خاموشی برق در روزهای اوج مصرف، نشان می‌دهد که زیرساخت‌ها در شرایط حداکثری و بعضاً شکننده فعالیت می‌کنند. در بخش نیروگاهی نیز اگرچه اغلب واحدها به سوخت دوم مجهز هستند، اما کافی نبودن ذخایر در محل نیروگاه، فرسودگی تجهیزات و محدودیت‌های ایجستیکی، انتظاف پذیری و شعبه‌ای قبلی برق را کاهش داده است.



ذخیره‌سازی گاز؛ عقب‌ماندگی مزمن

اگرچه ایران از نظر زمین‌شناسی ظرفیت مناسبی برای توسعه مخازن ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز دارد، اما در عمل، تنها چند مخزن فعال مانند سراچه و سورج‌پر در مدار بهره‌برداری قرار دارند. حجم گاز قابل ذخیره در این مخازن، در مقایسه با مصرف روزانه کشور در روزهای سرد

زمستان، محدود است و نمی‌تواند نقش ضربه‌گیر مطمئن را ایفا کند. کارشناسان انرژی معتقدند نسبت حجم ذخیره‌سازی گاز به مصرف سالانه در ایران، فاصله قابل توجهی با استانداردهای جهانی دارد. همین مسئله باعث می‌شود که بارپرو سرمای فرارگیر، فشار شبکه کاهش یافته و سیاست‌های محدودکننده، به‌ویژه برای صنایع و نیروگاه‌ها، به سرعت فعال شود.

وقتی کمبود ذخیره، به زنجیره بحران تبدیل می‌شود

پیامدهای ضعف در ذخیره‌سازی گاز، به صورت زنجیره‌ای بروز می‌کند. در گام نخست، صنایع بزرگ و انرژی بریا محدودیت یا قطع گاز مواجه می‌شوند که این مسئله مستقیماً بر تولید، اشتغال و صادرات اثر می‌گذارد. در

زیرساخت‌هایش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا می‌کند؛ چراکه کوچک‌ترین ناهماهنگی در این زنجیره، می‌تواند توسعه مخازن ذخیره‌سازی سوخت‌های آل آینده و بروز خاموشی‌های مقطعی منجر شود.

گاز طبیعی؛ مزیت بزرگ، ریسک پنهان

گاز طبیعی به عنوان اصلی‌ترین حامل انرژی کشور، سهمی بیش از ۷۰ درصد در سبد انرژی ایران دارد. بخش خانگی، نیروگاه‌ها و صنایع بزرگ هرگمی که این منبع متکی هستند و همین موضوع، گاز را به ستون فقرات اقتصاد انرژی کشور تبدیل کرده است. با این حال، تمرکز بالا در زمان تولید لحظه‌ای از میادین گازی، به‌ویژه پارس جنوبی، تأمین اوج مصرف، به یک ریسک ساختاری تبدیل می‌شود.

در حال حاضر، بخش عمده گاز مصرفی کشور به صورت تولید لحظه‌ای از میادین گازی، به‌ویژه پارس جنوبی، تأمین می‌شود. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای دارای مصرف بالای گاز، ذخیره‌سازی زیرزمینی به عنوان یک ابزار کلیدی برای مدیریت نوسانات فصلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ایران اما ظرفیت ذخیره‌سازی، متناسب با سطح مصرف صرف‌نکرده است.

برش

مدیریت تقاضا؛ حلقه مغفول سیاست انرژی

در کنار تمام چالش‌های عرضه و ذخیره‌سازی، بسیاری از کارشناسان بر این نکته تأکید دارند که مدیریت تقاضا، حلقه مغفول سیاست انرژی کشور است. مصرف بالای بخش خانگی، قیمت‌های پارانرژی‌ای و اجاری ناقص تعرفه‌های پلکانی، باعث شده است که اصلاح الگوی مصرف به‌کندی پیش برود. در شرایطی که ابزارهایی مانند کنتورهای هوشمند، مشوق‌های بهینه‌سازی و سیاست‌های بازآزنده مصرف هنوز به صورت فراگیر اجرا نشده‌اند، بار اصلی مدیریت بحران همچنان بر دوش تولید و سوخت جایگزین باقی مانده است. از نگاه کارشناسی، وضعیت ذخایر استراتژیک سوخت و آمادگی زیرساخت‌های انرژی کشور اگرچه در شرایط بحرانی قرار ندارد، اما در آستانه هشدار جدی است. اتکای بیش از حد به تولید لحظه‌ای گاز، توسعه ناکافی ذخیره‌سازی زیرزمینی و استفاده گسترده از مازوت به عنوان راه‌حل اضطراری، نشان می‌دهد که سیاست انرژی کشور نیازمند بازنگری راهبردی است.

کارشناسان معتقدند اگر سرمایه‌گذاری در ذخیره‌سازی گاز، نوسازی زیرساخت‌ها و مدیریت تقاضا به صورت هم‌زمان و هماهنگ انجام نشود، هر زمستان می‌تواند به یک آزمون پرهزینه برای اقتصاد، محیط‌زیست و رفاه عمومی تبدیل شود. امنیت انرژی، نه با افزایش تولید مقطعی، بلکه با نگاه بلندمدت و آینده‌نگر به ذخیره‌سازی و مصرف پایدار محقق خواهد شد.

انتقاد از نحوه توزیع و حاشیه سود در تنظیم بازار

رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی با بیان اینکه برنج هندی هم‌اکنون در حال توزیع است، از شیوه اجرای سیاست‌های تنظیم بازار انتقاد کرد و گفت: گله اصلی ما از نحوه توزیع و قیمت‌گذاری است؛ چراکه اساساً تنظیم بازار باید به بخش خصوصی واگذار شود، اما هنوز به این نقطه نرسیده‌ایم.

کنگری اظهار کرد: انبارهای ذخایر دولتی و شرکت مادر تخصصی نباید هم‌زمان نقش توزیع‌کننده و قیمت‌گذار را ایفا کنند. در حالی که مصوبات هیات عالی نظارت، ستاد تنظیم بازار و سازمان حمایت مشخص کرده‌اند که حاشیه سود بنکدار ۲ درصد و حاشیه سود خرده‌فروش ۱۲ درصد، یعنی در مجموع ۱۵ درصد است، اما در عمل شاهد رفتار معکوس از سوی ستاد تنظیم بازار هستیم.

کاهش حاشیه سود در شرایط تورمی

وی افزود: پیش از این، حاشیه سود تنظیم بازار ۱۰ درصد تعیین شده بود، اما در شرایطی که با تورم، افزایش شدید هزینه‌های جانبی، حمل‌ونقل، انبارداری، دستمزد کارگر و سایر هزینه‌ها مواجه هستیم، به جای افزایش منطقی این حاشیه سود به ۱۵ یا ۱۶ درصد، این عدد به حدود ۸ درصد کاهش یافته است. این وضعیت نه‌تنها انگیزه‌ای برای مشارکت صنف در تنظیم بازار ایجاد نمی‌کند، بلکه اگر واحدهای صنفی وارد این فرآیند شوند، در نهایت با جرثوم و تخلفات مواجه خواهند شد.

بی‌توجهی به هزینه‌ها و فشار مالیاتی

رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی با تأکید بر لزوم توجه به واقعیت‌های اقتصادی گفت: در بحث تنظیم بازار، تنها سود دیده نمی‌شود، بلکه هزینه‌های حمل‌ونقل، کارگر، انبارداری و مهم‌تر از همه مالیات نیز وجود دارد. حتی اگر سودی هم محقق نشود، مبنای مالیات‌ستانی، گردش مالی براساس همان حاشیه سود قانونی است.

وی ادامه داد: به همین دلیل، بسیاری از واحدهای صنفی اعلام می‌کنند که با این حاشیه سود، امکان فعالیت اقتصادی و مشارکت در تنظیم بازار را ندارند و عملاً «پول با پول» نمی‌شود.

بلاتکلیفی در تصمیم‌گیری ستاد تنظیم بازار

کنگری با اشاره به مکاتبات انجام‌شده گفت: این موضوع به ستاد تنظیم بازار کشوری منعکس شده، اما هنوز به نظر می‌رسد حاشیه سود صنف به‌درستی دیده نشده است. تازمانی که این موضوع اصلاح نشود، امکان تنظیم مؤثر زنجیره توزیع و رساندن کالا به دست مصرف‌کننده نهایی وجود نخواهد داشت.

کنگری با اشاره به وضعیت خاص برنج هندی اظهار کرد: برخلاف سایر کالاها، در مورد برنج هندی با وجود واردات با ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی، افزایش قیمت محسوسی مشاهده نشد. پیش از این، برنج هندی باید با قیمت حدود ۴۵ هزار تومان به دست مصرف‌کننده می‌رسید، اما به بهانه تأخیر در تخصیص ارز، واردکنندگان کالا را با نرخ روز بازار و به‌صورت دو فاکتوره عرضه می‌کردند؛ در این شرایط، واحدهای صنفی جریمه می‌شدند و واردکنندگان سوده‌های چند برابری کسب می‌کردند.

رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی افزود: با پیگیری‌های انجام‌شده و رسانه‌ای شدن موضوع، این روند اصلاح شد و برنج هندی تک‌نرخ شد. به‌طوری‌که نه‌تنها افزایش قیمت نداشت، بلکه اندکی کاهش قیمت نیز تجربه کرد. کنگری در پایان تأکید کرد: با ورود برنج پاکستانی به شبکه توزیع، انتظار می‌رود روند کاهشی قیمت ادامه‌دار باشد و این موضوع به دلیل شباهت این محصولات، به کاهش قیمت برنج ایرانی نیز تسری پیدا کند.

کاهش عرضه، تغییر الگوی واردات، فشار هزینه‌های جانبی و تعیین نرخ‌های غیرمنعطف، بازار برنج را با چالش‌هایی مواجه کرده که نه‌تنها مصرف‌کننده، بلکه حلقه‌های میانی زنجیره توزیع را نیز تحت فشار قرار داده است



برنج باز هم گران شد

گزارش

تناقض میان سیاست‌های تنظیم بازار و اقمیت باز

رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی با انتقاد از قیمت‌گذاری دستوری برنج هندی گفت: متأسفانه در حوزه تنظیم بازار، گفته‌ها با عملکردها همخوانی ندارد و همین مسئله موجب زیان فعالان صنفی و آشفتگی بازار شده است.

وی اظهار کرد: ما در مسیر تنظیم بازار حرکت می‌کنیم، برنج هندی از سوی شرکت مادر تخصصی و انبارهای ذخایر دولتی با قیمت مصوب ستاد تنظیم بازار در اختیار ما قرار می‌گیرد؛ به‌طوری‌که قیمت اعلامی برای برنج هندی حدود ۱۴۹ هزار و ۴۰۰ تومان است.

وی افزود: این در شرایطی است که همین برنج هندی ۱۵۰۹ در بازار آزاد و به‌صورت رقابتی، با قیمت حدود ۱۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان در عمده‌فروشی‌ها عرضه می‌شود؛ یعنی عملاً قیمت‌کف بازار از نرخ تنظیم بازار پایین‌تر است. کنگری تصریح کرد: زمانی که ما کالا را با نرخ ۱۴۹ هزار تومان خریداری می‌کنیم، مجبور می‌شویم آن را با قیمت بالاتر بفروشیم؛ در حالی که بازار گشش این قیمت را ندارد و نتیجه آن فروش با ضرر یا ایجاد مشکل برای واحدهای صنفی است.

الزام به فروش بالاتر از قیمت بازار

رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی ادامه داد: براساس نرخ‌های دستوری، ما ملزم هستیم برنج هندی را با قیمت حدود ۱۶۱ هزار تا ۱۶۱ هزار و ۳۵۰ تومان عرضه کنیم، در حالی که قیمت واقعی بازار پایین‌تر از این رقم است و این موضوع عملاً به معنای گران‌سازی کالا از مسیر سیاست‌های تنظیم بازار است.

رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی با تشریح وضعیت بازار برنج اعلام کرد در حالی که قیمت برنج ایرانی و پاکستانی افزایش یافته، نرخ‌های دستوری برنج هندی در برخی موارد از قیمت واقعی بازار بالاتر است؛ موضوعی که به گفته او نه تنها به زیان واحدهای صنفی منجر شده، بلکه تعادل و ثبات بازار را نیز با چالش مواجه کرده است.

در حالی که سیاست‌گذاران با هدف کنترل بازار برنج، بر قیمت‌گذاری دستسوری و توزیع دولتی تکیه کرده‌اند، فعالان صنفی از فاصله معنادار این سیاست‌ها با واقعیت‌کف بازار سخن می‌گویند. اظهارات رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی نشان می‌دهد که کاهش عرضه، تغییر الگوی واردات، فشار هزینه‌های جانبی و تعیین نرخ‌های غیرمنعطف، بازار برنج را با چالش‌هایی مواجه کرده که نه‌تنها مصرف‌کننده، بلکه حلقه‌های میانی زنجیره توزیع را نیز تحت فشار قرار داده است.

رضا کنگری در گفت‌وگو با ایسنا، درباره وضعیت بازار برنج اظهار کرد: برنج ایرانی و برنج پاکستانی با افزایش قیمت مواجه شده‌اند؛ به‌ویژه برنج پاکستانی که به دلیل کاهش عرضه در بازار و شباهت به برنج ایرانی، با رشد قیمت بیشتری همراه بوده است.

به گفته رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی، برنج ایرانی در بنکداری‌ها با قیمت عمده‌فروشی بین ۳۰۰ تا ۳۳۵ هزار تومان عرضه می‌شود که با احتساب ۱۵ درصد سود، قیمت آن برای مصرف‌کننده نهایی تعیین می‌شود.

اخبار



قیمت واقعی گوشت در بازار گم شده است

رئیس شورای تأمین دام کشور با اشاره به آثار حذف ناگهانی ارز ترجیحی در بازار گوشت، گفت: در شرایط فعلی، قیمت واقعی گوشت در بازار گم شده و برای قضاوت درباره نرخ‌ها هنوز زود است، اما با افزایش عرضه، توسعه واردات دام زنده و شکل‌گیری رقابت، بازار به سمت ثبات و قیمت‌های واقعی حرکت خواهد کرد.

با اجرای سیاست حذف ارز ترجیحی برای واردات نهاده‌های دامی و اصلاح نظام حمایتی، قیمت گوشت فرمزد در بازارهای کشور دچار نوسان شد و اختلاف قیمت قابل توجهی میان فروشگاه‌ها و مناطق مختلف ایجاد شده است و بررسی‌های میدانی خبرنگار ایسنا در مناطق مختلف نشان می‌دهد که قیمت‌ها حتی از نرخ‌های اعلام‌شده فروشگاه‌ها نیز فراتر رفته است؛ به‌طوری‌که هر کیلوگرم گوشت کوساله بین یک میلیون و ۲۲۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۹۰۰ هزار تومان و گوشت کوسفندی بین یک میلیون و ۲۴۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان عرضه می‌شود.

به عنوان نمونه، در یک فروشگاه سطح شهر، قیمت هر کیلوگرم ران کوسفندی یک میلیون و ۷۹۸ هزار تومان، سردست کوسفندی یک میلیون و ۷۹۵ هزار تومان، کردن کوسفندی چرخ‌کرده یک میلیون و ۲۹۵ هزار تومان، ران و سردست کوساله یک میلیون و ۷۹۵ هزار تومان و راسته کوساله یک میلیون و ۸۳۵ هزار تومان اعلام شده است. منصور پوریان، رئیس شورای تأمین دام کشور، در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به چالش‌های ایجادشده در بازار دام و گوشت پس از حذف ناگهانی ارز ترجیحی اظهار کرد: مطالبه فعالان صنفی از ابتدا حذف تدریجی ارز ترجیحی بود، اما اجرای یک‌باره این سیاست، بدون فراهم شدن زیرساخت‌های لازم، می‌تواند به صنعت دام آسیب وارد کند. وی با بیان اینکه آنچه اکنون در بازار مشاهده می‌شود، لزوماً قیمت واقعی گوشت نیست، گفت: در حال حاضر قیمت واقعی گوشت گم شده و نمی‌توان بر اساس نرخ‌های موجود قضاوت دقیقی داشت. مسیری‌های تأمین تازه در حال شکل‌گیری است و برای رسیدن به قیمت واقعی، نیاز به زمان داریم.

پوریان افزود: هر زمان که عرضه افزایش پیدا کند و دامنه توزیع گسترده‌تر شود، بازار به‌طور طبیعی به سمت قیمت‌های رقابتی حرکت خواهد کرد و التهابات قیمتی کاهش می‌یابد.

رقابتی شدن بازار با افزایش عرضه نهاده و دام
رئیس شورای تأمین دام کشور با اشاره به تغییر ساختار بازار پس از حذف ارز ترجیحی تصریح کرد: فضای بازار باز شده و ارتباط عرضه و تقاضا پررنگ‌تر شده است. زمانی که عرضه‌کنندگان نهاده، چه در داخل و چه در وارداتی، افزایش پیدا کنند، رقابت شکل می‌گیرد و این رقابت منجر به تعدیل قیمت‌ها خواهد شد.

وی ادامه داد: این وضعیت نه‌تنها در نهاده‌های دامی، بلکه در تولید گوشت نیز اثرگذار است؛ هر چه عرضه بیشتر شود، تولیدکننده امکان رقابت پیدا می‌کند و بازار از نظر کمیت و قیمت متعادل‌تر می‌شود.

واردات دام زنده: ابزار مؤثر تنظیم بازار

پوریان واردات دام زنده را یکی از ابزارهای مهم تنظیم بازار دانست و گفت: واردات دام زنده برای کشتار، چه سبک و چه سنگین، به‌ویژه از طریق کشتارگاه‌های مرزی، می‌تواند نقش مؤثری در تنظیم بازار مواد پروتئینی داشته باشد.

به گفته وی، دولت در استان‌های مرزی تسهیلاتی برای این موضوع در نظر گرفته که می‌تواند به افزایش عرضه و کنترل قیمت‌ها کمک کند.

قیمت دام در مبادی مختلف متفاوت است

رئیس شورای تأمین دام کشور با اشاره به تفاوت قیمت دام در کشورهای مختلف اظهار کرد: دام در مبادی مختلف قیمت‌های متفاوتی دارد و همین موضوع امکان تنظیم بازار داخلی را فراهم می‌کند. به عنوان مثال، دام کوسفندی با قیمت‌های مشخص در بازارهای خارجی قابل تأمین است و این تنوع قیمتی، تولید داخل را نیز وارد فضای رقابتی می‌کند. هرچه دامنه عرضه گسترده‌تر شود، هم در بحث کمیت و هم در قیمت، تنوع بیشتری در بازار ایجاد خواهد شد و این به نفع مصرف‌کننده است.

تأثیر حذف ارز ترجیحی بر تولیدکنندگان

پوریان با اشاره به آثار حذف ارز ترجیحی بر تولیدکنندگان گفت: آزادسازی کامل ارز باعث شده تولیدکننده ناچار باشد خود را با شرایط جدید تطبیق دهد. افزایش قیمت نهاده‌ها، به‌ویژه برای دامداران کوچک و متوسط، فشار زیادی ایجاد کرده و این گروه‌ها آسیب‌پذیرتر هستند. وی ادامه داد: در دوره‌های گذشته، اگرچه برخی دامداران نهاده یارانه‌ای دریافت نمی‌کردند، اما قیمت نهاده در بازار آزاد نیز قابل کنترل بود. اکنون اما هزینه‌های تولید به‌شدت افزایش یافته و این موضوع ماندگاری تولید را تهدید می‌کند.

لزوم بسته‌های حمایتی برای حفظ تولید

رئیس شورای تأمین دام کشور تأکید کرد: برای حفظ تولید، لازم است بسته‌های حمایتی مشخصی ازجمله تأمین نهاده مدت‌دار برای تولیدکنندگان، ایجاد سازوکار مناسب برای تأمین دام پایه پرور و توزیع آن در دامداری‌ها اجرا شود.

پوریان در پایان خاطرنشان کرد: حذف ارز ترجیحی بدون تردید اثر جدی بر تولید دارد، اما اگر عرضه افزایش یابد و سیاست‌های حمایتی به‌درستی اجرا شود، بازار به سمت ثبات حرکت خواهد کرد و قیمت واقعی گوشت در روزهای آینده خود را نشان می‌دهد.

ایران می‌توان به هاب انرژی منطقه تبدیل

شود. این ظرفیت به صورت بالقوه در ایران وجود دارد و به تأکید کارشناسان، با ایجاد برنامه‌ریزی می‌توان این پتانسیل را بالفعل کرد.

ایران در نشست‌ها و اجلاس‌هایی مانند سران مجمع کشورهای صادرکننده گاز، پیشنهادها و راهبردهای مهمی ارائه کرده که یکی از آن‌ها تبدیل شدن به قطب انرژی منطقه و دعوت از سرمایه‌گذاران خارجی برای حضور در حوزه بالادست و پایین دست بوده است.

طی سال‌های گذشته تبدیل شدن به قطب انرژی منطقه و دعوت از سرمایه‌گذاران خارجی برای حضور در حوزه بالادست و پایین دست، تبادل دانش فنی و تجربه‌های کشورهای عضو جی‌تی‌سی‌اف در صنعت گاز و اعلام آمادگی ایران برای تبادل اطلاعات و تجربه‌ها در حوزه استخراج، فرآوری، انتقال و تجارت گاز و فناوری‌های مرتبط و استفاده صحیح و فراگیر از منابعی همچون گاز طبیعی به عنوان سوختی پاک، ایمن و کارا و اتخاذ سیاست‌هایی نوین برای گاز ازجمله پیشنهاداتی بود که از سوی ایران مطرح شده است.

مجمع کشورهای صادرکننده گاز دارای اعضای بزرگ و تأثیرگذار در صادرات است و کشورهای مهم روسیه، قطر، الجزایر در این گروه حضور دارند که در زمینه‌های مختلف کار کرده‌اند البته ایران نیز در حوزه گاز اقدامات متعددی انجام داده است و در این زمینه تجربیات زیادی دارد که همین مسئله این فرصت را ایجاد می‌کند تا کشورها تجربیات خودشان را در اختیار یکدیگر قرار دهند.

کارشناسان حوزه انرژی معتقدند که ایران می‌تواند قطب انرژی منطقه در حوزه گاز باشد اما تحقق این موضوع نیازمند نکاتی است، اگر بتوانیم رشد مصرف داخلی را کنترل کنیم، می‌توانیم در این حوزه مطرح شویم، مصرف گاز

ایران چه زمانی به قطب انرژی منطقه تبدیل می‌شود؟

در منطقه گام برداریم و بازیگر اصلی شویم. به اعتقاد کارشناسان، در حوزه برق نیز این پتانسیل وجود دارد و باتوجه به اینکه کشورهای زیادی نیازمند برق تولیدی ایران هستند، ایران می‌تواند هاب انرژی شود، همچنین با توجه به اینکه ایران در بین شرق و غرب دنیا قرار گرفته و جز چند کشور اصلی دارای منابع انرژی به حساب می‌آید، می‌تواند در این بخش نقش ویژه‌ای ایفا کند.

ایران می‌تواند با ایجاد تدابیر نقش ویژه‌ای در حوزه انرژی داشته باشد و با افزایش صادرات خود در تعیین قیمت نهایی نیز نقش ایفا کند، همچنین ایران می‌تواند از انرژی به عنوان یک ابزار دیپلماسی در مذاکرات خود با کشورهای همسایه و کشورهای دنیا بهره‌برد. حجم عمده تولید گاز در بخش خانگی مورد استفاده قرار می‌گیرد و باید سازوکاری لحاظ شود تا انرژی بیشتر تبدیل به ثروت شود، اکنون بعد مصرفی در منازل بسیار بالا بوده و انرژی به نوعی از بین می‌رود، اولویت تأمین برق و انرژی خانگی بوده و همین مسئله موجب ایجاد صدمه به بخش تولید می‌شود.

بر این اساس تا زمانی که اقتصاد انرژی اصلاح نشود، شاهد افزایش مصرف خواهیم بود، اکنون سرمایه‌گذاری روی کنترل مصرف صورت نمی‌گیرد و معمولاً مصرف انرژی در کارخانه‌ها به گونه‌ای است که با تکنولوژی روز برابر نیست. استفاده از ابزارها و تجهیزات جدید که موجب بهینه‌سازی مصرف انرژی می‌شوند، امری مهم و ضروری است، چراکه توسعه صادرات و افزایش تولید از این طریق رقم می‌خورد.

تحلیلگران بر این نظر هستند که رویکردهای فعلی در حوزه انرژی باید تغییر کنند و ایران به جای مصرف‌کننده بزرگ انرژی با عنوان صادرکننده انرژی مطرح شود، در این شرایط می‌توان آینده خوبی را برای حوزه انرژی متصور بود و از انرژی به عنوان یک ابزار اقتصادی، سیاسی و دیپلماسی یاد کرد.



بوده و تجربیات زیادی را در حوزه گاز به دست آورده است و در این زمینه می‌توانیم دانش و تجربیات خود را انتقال دهیم، به‌ویژه اینکه ایران در زمان تحریم توانست این صنعت بزرگ را در کنار صنعت نفت مدیریت کند و به اعتقاد تحلیلگران، این نشان دهنده این است که در این زمینه حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. از سوی دیگر توجه به این نکته هم ضروری است که بسیاری از کشورها که موفق به توسعه صنعت گاز خود شدند، از کشورهای دیگر کمک گرفتند اما ایران توانست به صورت خودکفا صنعت گاز را توسعه دهد و در این زمینه نیز تجربیات زیادی را به دست آورده است. طرفیت اقتصادی توسعه باید با باتوجه به پتانسیل‌های موجود بتوانیم از مزیت‌های خدادادی بهره‌بریم و در بخش تولید و صادرات

در ایران روند صعودی دارد و اگر نتوانیم این رشد مصرف را متوقف کنیم، طبیعتاً امکان صادرات کم خواهد شد.

بر این اساس اگر بتوان میزان مصرف را در داخل کنترل کرد، قطعاً می‌توانیم در حوزه صادرات گاز اقداماتی را انجام دهیم و این موضوع به این مسئله مرتبط می‌شود که ما مصرف بهینه را در دستور کار قرار دهیم و بتوانیم مقداری از گاز را صرفه‌جویی کنیم و به صادرات اختصاص دهیم.

با نگاهی به عملکرد ایران در حوزه استخراج، فرآوری، انتقال و تجارت گاز و فناوری‌های مرتبط و استفاده صحیح و فراگیر از منابعی همچون گاز طبیعی به عنوان سوختی پاک می‌توان گفت که تبادل اطلاعات دوطرفه است، ایران جزو یکی از تولیدکننده‌های بزرگ گاز در دنیا



اما واگرهای وام ازدواج در سال آینده

✚ بنا بر گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، مهم‌ترین معضل و مشکل ایجاد شده در تسهیلات ازدواج و فرزند، ایجاد صف بیش از یک میلیون نفری متقاضیان است که به نظرمی رسد لازم است این موضوع در اولویت قانون‌گذار برای سال ۱۴۰۵ قرار گرفته و تا حد ممکن متناسب با توان شبکه بانکی این صف کاهش یابد.

وام ازدواج یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی دولت و نظام بانکی برای تشویق جوانان به تشکیل خانواده و تسهیل آغاز زندگی مشترک است. این تسهیلات به‌صورت قرض‌الحسنه و با سود کم ارائه می‌شود و در سال‌های اخیر برای زوج‌هایی که عروس زجر ۲۲ سال و داماد زجر ۲۵ سال بوده‌اند نیز سقف بیشتری برای پرداخت در نظر گرفته شده بود. با این حال، در لایحه بودجه سال آینده ردیف مشخصی برای این وام در نظر گرفته نشده و همین وضعیت باعث بروز نگرانی در میان متقاضیان شده است. سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه بودجه نیز تأکید کرده که وام ازدواج و سیاست‌های مرتبط با قانون جوانی جمعیت باید در متن بودجه لحاظ شود تا منابع و نحوه پرداخت آن شفاف شود.

در ادامه هم بانک مرکزی اعلام کرد که پرداخت وام ازدواج و فرزندآوری همچنان ادامه خواهد داشت و سقف پرداخت بر اساس توان شبکه بانکی تعیین خواهد شد. به تازگی هم احمد راستین، نماینده مردم شهرکرد و سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی اظهار کرده است: بر اساس مصوبات جدید در بحث تسهیلات ازدواج وام قرض‌الحسنه ازدواج برای جوانان زیر ۲۵ سال از ۲۵۰ میلیون تومان در سال ۱۴۰۴ به ۵۰۰ میلیون در سال ۱۴۰۵ و برای سایرین از ۲۰۰ میلیون در سال ۱۴۰۴ به ۴۰۰ میلیون در سال ۱۴۰۵ پیشنهاد و مصوب شد. بر اساس جدیدترین گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس هم اعلام شده است امسال و سال‌های قبل، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از پرداخت تسهیلات ازدواج و فرزندآوری، عملکرد خوبی متناسب با ارقام مصوب قانونی داشته‌اند.

این در حالی است که در تاریخ ۱۳ آذرماه ۱۴۰۴، بیش از یک میلیون نفر در صف دریافت تسهیلات ازدواج و فرزند قرار دارند و واضح است که این موضوع منجر به ایجاد نارضایتی عمومی متقاضیان دریافت این تسهیلات شده است. عملکرد مناسب شبکه بانکی در ۹ ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۴ در کنار صف طولیل متقاضیان و نارضایتی آنان به سادگی حاکم از آن است که ارقام سقف کلی تسهیلات ازدواج و فرزند در قانون بودجه سال ۱۴۰۴ (معدل ۲۷۰۰ همت متناسب با تعداد متقاضیان و برآورد تقاضای تسهیلات در نظر گرفته‌شده است).

صف یک میلیون تسهیلات تکلیفی ازدواج و فرزندآوری

همچنین مهم‌ترین معضل و مشکل ایجاد شده در تسهیلات ازدواج و فرزند، ایجاد صف بیش از یک میلیون نفری متقاضیان است که به نظرمی رسد لازم است این موضوع در اولویت قانون‌گذار برای سال ۱۴۰۵ قرار گرفته و تا حد ممکن متناسب با توان شبکه بانکی این صف کاهش یابد. ضمن آنکه توان تسهیلات‌دهی قرض‌الحسنه شبکه بانکی در سال ۱۴۰۵، معادل ۵۸۵ همت برآورد شده است که در بهترین حالت می‌تواند صف متقاضیان دریافت تسهیلات را در پایان سال ۱۴۰۵ به نصف کاهش دهد.

در ادامه هم مرکز پژوهش‌های مجلس پیشنهاد داده که لازم است ارقام قانون بودجه سال ۱۴۰۵ در مورد تسهیلات تکلیفی، به‌گونه‌ای مشخص شود که اولاً تا حد ممکن باعث پیش از یک میلیون نفری دریافت‌کنندگان تسهیلات ازدواج و فرزندآوری را که تا پایان امسال نیز افزایش می‌یابد، کوتاه نماید و ثانیاً فراتر از توان تسهیلات‌دهی شبکه بانکی نباشد. بر اساس برآورد توان تسهیلات‌دهی قرض‌الحسنه شبکه بانکی (معدل ۵۸۵ همت)، پیشنهاد می‌شود که مبالغ انفرادی تسهیلات ازدواج و فرزندآوری بدون تغییر همانند مبالغ قانون بودجه ۱۴۰۴ لحاظ شود، اما سقف کلی تسهیلات‌دهی شبکه بانکی معادل ۵۸۵ همت (۴۸۵ همت ازدواج و فرزندآوری + ۱۰۰ همت اشتغال) در نظر گرفته شود که به صورت خوش‌بینانه صف متقاضیان تسهیلات ازدواج و فرزند را در پایان سال ۱۴۰۵ به نصف (۵۰۰ هزار نفر) کاهش خواهد داد.

افزایش کلی توان تسهیلات‌دهی قرض‌الحسنه شبکه بانکی

در همین رابطه هم سیاوش غیبی روبر کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی باشگاه خبرنگاران جوان می‌گوید: در خصوص مبلغ پرداختی تسهیلات تکلیفی به‌ویژه وام ازدواج باید چند نکته را اشاره کرد اول اینکه بله افزایش فردی میزان این تسهیلات با توجه به شرایط اقتصادی فعلی نیازی غیرقابل انکار است همچنین باید تأکید کرد افزایش کلی توان تسهیلات‌دهی قرض‌الحسنه شبکه بانکی می‌تواند سبب کاهش این صف شود معتقد هستم بانک مرکزی ابزارهای زیادی برای حل این مسئله و کمک به حل این چالش دارد که می‌تواند با تغییراتی این چالش را مرتفع کند.

درس چینی همسایه برای سفارت ایران در پکن

✚ در حالی که عربستان سعودی با دیپلماسی اقتصادی فعال توانسته صدها میلیارد دلار سرمایه چینی جذب کند، ایران با وجود توافق‌های راهبردی و سفرهای سطح بالا، هنوز نتوانسته نقش اقتصادی سفارت خود در پکن را به‌طور ملموس فعال کند. تحولات سال‌های اخیر در نظام اقتصاد جهانی، نقش دیپلماسی اقتصادی را بیش از گذشته پررنگ کرده است؛ جایی که سفارتخانه‌ها دیگر صرفاً نهادهای سیاسی نیستند، بلکه به بازوهای جذب سرمایه، توسعه تجارت و اتصال به زنجیره تأمین جهانی تبدیل شده‌اند. پس از تشدید تحریم‌های آمریکا، راهبرد «نگاه به شرق» به‌عنوان یکی از محورهای سیاست خارجی ایران مطرح شد؛ راهبردی که هدف آن کاهش وابستگی به غرب و گسترش روابط اقتصادی با قدرت‌هایی مانند چین بود. در همین چارچوب، چین به بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران تبدیل شده است و سنه همکاری ۲۵ ساله دو کشور نیز در سال ۱۴۰۰ به اضمحلا رسید؛ سندی که بخشی از ابتکار «کمربند و راه» چین به‌شمار می‌رود. با این حال، آمراه‌های رسمی نشان می‌دهد فاصله معناداری میان ظرفیت بالقوه و دستاوردهای واقعی ایران وجود دارد. بر اساس داده‌های گمرک چین، حجم تجارت پکن با عربستان سعودی در سال ۲۰۲۴ به بیش از ۱۰۷ میلیارد دلار رسیده، در حالی که تجارت چین با ایران حدود ۱۳ میلیارد دلار گزارش شده است. حتی با احتساب آمراه‌های داخلی ایران، همچنان شکافی چند ده میلیارد دلاری میان ظرفیت و عملکرد مشاهده می‌شود. در مقابل، عربستان سعودی طی سال‌های اخیر رویکرد خود را به‌طور هدفمند تغییر داده است. ریاض با بهره‌رساندن بزنانه «ویژن ۲۰۳۰» خود با ابتکار «کمربند و راه» (BRI)، توانسته زمینه جذب سرمایه‌گذاری گسترده در حوزه‌هایی مانند انرژی، زیرساخت، فناوری‌های نوافتقاد دیجیتال را فراهم کند. گزارش‌های بین‌المللی حاکی از امضای تفاهم‌نامه‌های چند ده میلیارد دلاری میان صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان و نهادهای مالی چینی است؛ توافقی‌هایی که نقش سفارت عربستان در پکن در تسهیل آن‌ها پررنگ بوده است.

■ یکشنبه ۵ بهمن ۱۴۰۴ ■ ۵ شعبان ۱۴۴۷ ■ ۲۵ January ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۳۸۳

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹

■ کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸ ■ آدرس: خیابان آزادی - چهارراه فرصت - پلاک ۹۸ - طبقه ۶



بازار لوازم خانگی در رکود

گزارش

✚ دبیرکل انجمن تولیدکنندگان لوازم خانگی ایران با بیان اینکه این صنعت در رکود به سسرمی برد واحدهای تولیدی لوازم خانگی فقط با ۲۵ درصد ظرفیت تولید کار می‌کنند، خواستار یازنگری در قوانین مربوط به ساماندهی واردات مرزنتشینان اعم از ته‌لنجی و کولبری شد.

امید فاضلی نیا نرخ ارز، کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش را از عوامل مؤثر بر کاهش تولید لوازم خانگی برشمرد و گفت: محدودیت‌های ناشی از تحریم نیز سبب شده تا

واحدهای تولیدی این صنعت تنها با ۲۵ درصد ظرفیت تولید کار کنند.

وی ادامه داد: بر اساس آمراه‌های رسمی، کاهش تولید لوازم خانگی در سال جاری ۲۰ درصد اعلام شده است اما وضعیت بازار نشان می‌دهد که کاهش‌ها بیش از این مقدار است.

دبیرکل انجمن تولیدکنندگان لوازم خانگی ایران اضافه کرد: تخصیص طولانی مدت ارز از ۱۲۰ تا ۲۴۰ روز، مشکلات در تأمین مواد اولیه، افزایش هزینه‌های تولید، کمبود نقدینگی شرایط را برای تولید لوازم خانگی سخت کرده است.

وی تأکید کرد: گردش مالی در صنعت لوازم خانگی باید چندین بار در سال صورت گیرد اما اکنون بیش از یک سال

طول می‌کشد تا گردش مالی صورت بگیرد که همه این موارد

در تولید لوازم خانگی تأثیرگذار است.

مشکل قاچاق لوازم خانگی پارچاست

فاضلی نیا علاوه بر تحریم، از ناترازی انرژی و مشکل تأمین مواد اولیه از دیگر عوامل مؤثر بر کاهش تولید لوازم خانگی نام برد.

واظهار داشت: قاچاق لوازم خانگی از دیگر مشکلاتی است که تولید را با اختلال روبرو کرده است هرچند بر اساس آمراه‌های فراجا کشفیات در حوزه لوازم خانگی به شدت پیگیری می‌شود اما تشخیص کالای قاچاق از غیر قاچاق در بعضی از اقلام شدنی نیست.

دبیرکل انجمن تولیدکنندگان لوازم خانگی ایران خاطرنشان کرد: تعدد در کدهای شناسه کالا سبب شده تا واردات لوازم خانگی با مشکلاتی روبرو باشد؛ به‌عنوان مثال موبایل از طریق رجیستر و خودرو از طریق پلاک قابل شناسایی و جلوگیری از قاچاق هست اما لوازم خانگی این‌گونه نیست.

تاکید بر ساماندهی قانون ته‌لنجی و کوله‌بری

این فعال صنعت لوازم خانگی بر ساماندهی واردات مرزی از طریق ته‌لنجی و کوله‌بری تأکید کرد و گفت: هرچند امکان واردات لوازم خانگی از این روش فراهم شده اما کولبران حقوق ورودی را بر اساس میزان و تعداد کالاها پرداخت نمی‌کنند همچنین خرید و فروش بدون فاکتور و خدمات پس از فروش برای مشتریان وجود ندارد.

فاضلی نیا تأکید کرد: هیچ ضمانتی برای کالاها و خدمات پس از فروش وجود ندارد و این امر باعث شده است تا بازار واحدهای صنفی در بازارهای مرزی را نیز گرفتار کند و تنها سود حاصل از واردات به نفع واسطه‌گران و دلالان باشد.

افزایش قیمت‌ها به لوازم خانگی رسید

وی از افزایش قیمت لوازم خانگی خبرداد و گفت: کشف قیمت آلومینیوم، مس ورق‌های فولادی که در صنعت لوازم خانگی به کار می‌رود از طریق معاملات صورت گرفته در بازارهای جهانی است که بر این اساس باید یادآور شد که قیمت این اقلام در ماه‌های اخیر روند افزایشی داشته و یکی از دلایل افزایش قیمت در این صنعت است.

دبیرکل انجمن تولیدکنندگان لوازم خانگی ایران با اشاره به سیاست‌های جدید ارزی دولت خاطرنشان کرد: حذف

ارز دولتی از واردات یک ضرورت بود که باید پیش از این اتفاق

می‌افتاد اما اجرای یکباره آن سبب شد تا شاهد یک افزایش قیمت در واردات مواد اولیه صورت گیرد.

فاضلی نیا تأکید کرد: اکنون کشور در شرایط جراحی اقتصادی به سر می‌برد و باید با یک شیب ملایم و برنامه‌ریزی شده کارها به پیش برود و در کنار آن ترمیم سبدهای درآمدی صورت بگیرد.

حذف ارز دولتی از واردات یک ضرورت بوده که باید پیش از این اتفاق می‌افتاد اما اجرای یکباره آن سبب شد تا شاهد یک افزایش قیمت در واردات مواد اولیه صورت گیرد.

نیمی از بنگاه‌های کوچک و متوسط در معرض خطر

✚ اظهارات اخیر رئیس اتاق ایران در جلسه کمیته حمایت از کسب‌وکار درباره ناتوانی حدود ۵۰ درصد بنگاه‌های کوچک و متوسط در تداوم فعالیت، بار دیگر عمق چالش‌های ساختاری اقتصاد ایران را نمایان کرد. بنگاه‌هایی که ستون فقرات اشتغال و تولید کشور محسوب می‌شوند، اکنون در تالقی فشار هم‌زمان شامل رکود تورمی، جهش هزینه‌های تولید و افت تقاضای مؤثر قرار گرفته‌اند.

به گزارش ایسنا، در شرایط فعلی، افزایش نرخ ارز و به تبع آن رشد قیمت مواد اولیه، تولید را به شدت بالا برده است. این در حالی است که بنگاه‌های کوچک، برخلاف بنگاه‌های بزرگ، قدرت انتقال این هزینه‌ها به قیمت نهایی را ندارند؛ چراکه بازار بافت شدیدتاقضا مواجه است و مصرف‌کننده توان خرید خود را از دست داده است.

از سوی دیگر، ساختار تأمین مالی نیز به زیان این بنگاه‌ها عمل می‌کند. اگرچه دولت وزارت صمت از طراحی بسته‌های حمایتی سخنی می‌گوید، اما در عمل دسترسی بنگاه‌های کوچک به این تسهیلات بسیار محدود است. ضمانت‌های سنگین بانکی، نرخ‌های سود بالا و نگرانی از بازپرداخت در فضای بی ثبات اقتصادی باعث شده بسیاری از واحدهای کوچک اساساً قید استفاده از تسهیلات را بزنند. نتیجه آن است که منابع مالی عمدتاً به سمت بنگاه‌های بزرگ و شبه‌بندون متعارف حمایتی کارایی خود را از دست می‌دهند. نهادهای قوی‌تری با ساختارهای دولتی دارند.

رکود تورمی: تله‌ای برای تولید

اقتصاد ایران در وضعیتی گرفتار شده که هم‌زمان با تورم بالا، رشد اقتصادی ناچیز یا منفی روبرو است. در چنین شرایطی، سیاست‌های متعارف حمایتی کارایی خود را از دست می‌دهند. افزایش هزینه‌های جاری دولت، فشار مالیاتی ورشد هزینه‌های زیرساختی تولید که در بودجه دیده می‌شود، عملاً فضای تنفس بنگاه‌های کوچک را محدودتر کرده است. این بنگاه‌ها توان تعدیل گسترده نیرو دارند و نه امکان جذب سرمایه جدید؛ بنابراین اولین واکنش آن‌ها، کاهش تولید یا تعطیلی کامل است که مستقیماً به بیکاری نیروی کار منجر می‌شود.

مسیر تاب‌آوری بنگاه‌های کوچک چیست؟

کارشناسان معتقدند با وجود فضای دشوار، مسیر تاب‌آوری برای بنگاه‌های کوچک و متوسط به‌طور کامل مسدود نیست، اما نیازمند تغییرات جدی در سیاست‌گذاری است. از این روتوقع یا تقسیم‌بندی مالیات، حق بیمه و بدهی‌های دولتی می‌تواند به صورت فوری فشار نقدینگی بنگاه‌ها را کاهش دهد. این اقدام مؤثرتر از اعطای وام‌های پرهزینه است. از سوی دیگر تسهیلات حمایتی باید با نرخ ترجیحی، ضمانت‌های حداقلی و دوره تنفس واقعی در اختیار بنگاه‌های کوچک خصوصی قرار گیرد، نه آنکه در عمل به بنگاه‌های بزرگ برسد. به اعتقاد کارشناسان بدون تقویت قدرت خرید خانوار، حمایت از تولید به نتیجه نمی‌رسد. سیاست‌های حمایتی از مصرف‌کننده، مانند کارت‌های اعتباری خرید دلای داخلی، می‌تواند هم‌زمان تقاضا و تولید را فعال کند. همان‌طور که رئیس اتاق ایران اشاره کرده، ۷۵ درصد اقصاد ایران دولتی است. تازمانی که دولت بازنگر اصلی اقتصاد باقی بماند، بخش خصوصی کوچک در قایت نابرابر حذف خواهد شد. واگذاری واقعی و شفاف فعالیت‌ها به بخش خصوصی، شرط بقا و رشد بنگاه‌های کوچک است. در واقع بی‌ثباتی تصمیمات بیش از خودتحریم یا گمراهی منابع، به بنگاه‌های کوچک آسیب می‌زند. پیش‌بینی بدبینی، مهم‌ترین مؤلفه تاب‌آوری این بنگاه‌هاست. هشدار رئیس اتاق ایران را باید جدی گرفت: تعطیلی ۵۰ درصد بنگاه‌های کوچک، صرفاً یک بحران بخشی نیست؛ بلکه تهدیدی مستقیم برای اشتغال، معیشت و ثبات اجتماعی است. اگر سیاست‌گذار همچنان به حمایت‌های غیرقابل دسترس بسنده کند، موج تعطیلی‌های پس از فروردین و اردیبهشت می‌تواند به واقعیت تبدیل شود.



است که از صدور مجوز بهداشتی صادرات تخم مرغ خودداری می‌کنند.

سردرگمی بخش تولید تخم مرغ به دلیل سیاست‌های اشتباه

رئیس اتحادیه مرکزی مرغداران میهن با انتقاد از سیاست‌های سازمان پشتیبانی امور دام گفت: این سازمان به جای حمایت از تولیدکننده، پول تخم مرغی که ۷ ماه پیش با قیمت ۶۰ هزار تومان خریداری کرده است را نمی‌دهد. کاشانی ادامه داد: به دلیل سیاست‌های عدم پاسخگویی این بخش، سردرگمی عصبی در بخش تولید تخم مرغ اتفاق افتاده است.

وی قیمت تخم مرغ در سطح بازار را اینگونه اعلام کرد: قیمت تخم مرغ در حال حاضر کیلویی ۱۴۰ هزار تومان و شانه‌ای ۲۶۰ تا ۲۷۰ هزار تومان درب مرغداری و در بازار شانه‌ای ۳۶۰ تا ۴۵۰ هزار تومان فروخته می‌شود.

برای سرمایه در گردش و ۲.۵ برابر شدن ارزش تولید هیچ تدابیری از سوی وزارت جهاد کشاورزی اندیشیده نشده است. کاشانی افزود: متأسفانه آسیب‌هایی که از ابتدای امسال تاکنون به بخش تولید تخم مرغ کشور خورده، باعث شده که تولید کاهش یابد.

خودداری از صدور مجوز بهداشتی صادرات تخم مرغ

رئیس اتحادیه مرکزی مرغداران میهن با بیان اینکه این صنعت ۴ سال بود که علاوه بر تأمین نیاز داخلی، به کشورهای دیگر هم صادرات داشت، گفت: با این سیاست‌های اشتباه دوباره به سمتی می‌رویم که تا یک سال آینده دوباره به جای صادرکننده، واردکننده تخم مرغ شویم.

کاشانی افزود: این مشکل مربوط به سیاست‌های مداخله‌ای معاونت بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی و سازمان دامپزشکی

است که از صدور مجوز بهداشتی صادرات تخم مرغ خودداری می‌کنند.

درخواست افزایش قیمت خرید تضمینی گندم به ۴۰ هزار تومان

دولت است اما در سوی دیگر، تولیدکنندگان داخلی با افزایش چشم‌گیر هزینه‌ها مواجه شده‌اند. به گفته مدیرعامل بنیاد ملی گندم کاران، قیمت کود، سم، ادوات کشاورزی، ماشین‌آلات، دستمزدها، حمل‌ونقل و سیستم‌های آبیاری همگی به‌شدت افزایش یافته است. ایمانی با اشاره به جزئیات هزینه‌های تولید اظهار کرد: به‌عنوان نمونه، قیمت سم غلغ‌کش که سال گذشته لیتری ۳۵۰ هزار تومان بود، اکنون به یک میلیون و ۶۸۰ هزار تومان رسیده است که تأثیر زیادی بر هزینه‌ها داشته‌ است. تمام شده محصول دارد. وی تأکید کرد: ثابت‌نگه‌داشتن قیمت گندم در چنین شرایطی، در واقع ظلم به تولیدکنندگان داخلی است. مدیرعامل بنیاد ملی گندم کاران با بیان اینکه گندم داخلی اکنون بسیار ارزان‌تر از گندم وارداتی است، گفت: اگر دولت بخواهد واردات گندم را در دستور کار قرار دهد باید با قیمتی بسیار بالاترین کار انجام شود.

لزوم محاسبه قیمت تضمینی گندم بر اساس اصول علمی

وی با اشاره به مطالعات انجام‌شده توسط بنیاد ملی گندم کاران در مورد قیمت تضمینی گندم، گفت: ماتماری افزایش هزینه‌ها در بخش‌های مختلف از جمله کود، سم، بذرا، ادوات کشاورزی، آبیاری و دستمزد را به‌طور علمی و کارشناسی محاسبه کرده‌ایم و به رقم ۴۰ هزار تومان برای هر کیلوگرم گندم رسیده‌ایم. ایمانی افزود: در این قیمت، سودس ۲۰ تا ۲۵ درصدی برای کشاورز در نظر گرفته شده است. قیمت‌های پایین‌تر از این، سود کشاورز را از بین می‌برد و حتی هزینه‌ها را پوشش نمی‌دهد.